تهران

چراغ انجمن آزادگان سرور دانایان الشّیخ‌ الرّئیس پرتو یزدان مه تابان باد

ای یار مهربان آنچه کلک مشکین نگاشت شادمانی بخشید و خرّمی آورد شبنم نبود دریا بود چراغ نبود پرتو آفتاب بود ستایش و نیایش یزدان مهربانرا که بآفرینش چنین آرایش بخشید و دلها را چنین آسایش داد و بدانائی آسمانی یاران را اختران خاوران کرد و مه تابان فرمود تا پرتو دانائی افروزند و دلها را بریزش باران سخن رشک گلزار و چمن نمایند ای یار مهربان پاک یزدان رهبری کرد تا کوه و بیابان پیمودی و بشهر نیاکان رو نمودی آن کشور بسیار مستمند بود تا توانگری مانند آن مهرپرور بشهر درآید و گفتگو فرماید و راه خدا بنماید و انجمن را براز نهان بیاراید و روزگاری بپاید تا در سایهٴ درخت امید بیاساید باید زبان بگشائی و داد سخن بدهی راز پنهان بنمائی گفتار یزدان بگوئی دبستان آسمان بگشائی نامه‌های آسمانی بیاموزی چراغ روشنی افروزی پردهٴ پندار نادانان بسوزی جانت همدم جانان باد

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۲، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر